



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2023.15936.2019

Pathology of the Islamic Society Based on the Content Analysis of the Hazrat Zahra`s Sermon (pbuh)

Seyyede Roghayeh Sajadi¹
Mohammad Etrartdoost^{2*}
Parvin Baharzadeh³

Abstract

The Fadakieh sermon of Hazrat Zahra (PBUH) is a sermon delivered at a critical historical time after the death of the Prophet of Islam (PBUH). Examining the themes and content of that sermon with textual research methods can have significant results. In this research, using the method of “thematic content analysis”, an attempt to analyze the themes and orientations of this historical text, and to extract the approaches and goals of Hazrat Zahra (PBUH) from expressing different topics in this sermon. The results of the research indicate that contrary to the common and old assumption in society that the subject of this sermon is a dispute over Fadak’s ownership, the main purpose of Hazrat Zahra (PBUH) in delivering the sermon was to protect the Islamic society from seditions and harms. Therefore, half of the sermon deals with pathology and introduces the weaknesses of the Muslim community and the second part introduces the ways out of those injuries. Factors such as; The current of hypocrisy, blindness and inattention of the people to their responsibilities in the Islamic society, disregard for the Quranic teachings and welfare are among the most important harms of the Islamic society. Reconsidering the prophetic discourse, returning to two precious things (the Qur’an and the Ahl al-Bayt), returning to monotheistic teachings and adhering to individual and social laws are introduced as a way out of those problems. Another important result of this research is the discovery of the problem-solving model of Hazrat Zahra (PBUH), the details of which are described in the article.

Keywords

Hazrat Zahra (PBUH), Fadkiyeh sermon, pathology of Islamic society, strategies for reforming Islamic society, model of problematics.

Article Type: Research

1. Master of Quranic and Hadith Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran. Email: rsajadi212@gmail.com
2. Responsible Author, Assistant Professor in Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. Email: Etratdoost@sru.ac.ir
3. Associated Professor, Department of Quran and Hadith, Al-Zahra University, Tehran, Iran. Email: bahar-p@alzahra.ac.ir

Received on: 20/07/2021 Accepted on: 06/12/2021

Copyright © 2023, Sajadi, Etrartdoost & Baharzadeh



Publisher: Imam Khomeini International University.



شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۲۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2023.15936.2019

آسیب‌شناسی جامعه اسلامی مبتنی بر تحلیل محتوای خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)
سیده رقیه سجادی^۱
محمد عترت دوست*^۲
پروین بهارزاده^۳

چکیده

خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)، خطبه‌ای است که در یک برهه‌ی حساس تاریخی پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) ایراد شده است، لذا بررسی و تعمق، پیرامون مضامین و محتوای آن با روش‌های تحقیق متن‌پژوهی می‌تواند نتایج قابل توجهی را دربر داشته باشد. در این پژوهش با استفاده از روش «تحلیل محتوای مضمونی» تلاش شده تا به واکاوی مضامین و جهت‌گیری‌های این متن تاریخی پرداخته و رویکردها و اهداف حضرت زهرا (س) از بیان موضوعات مختلف در این خطبه را استخراج نماییم. نتایج یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که برخلاف پیش‌فرض رایج و سنتی در جامعه که موضوع این خطبه را اختلاف بر سر مالکیت فدک می‌داند، هدف اصلی حضرت زهرا (س) از ایراد خطبه، حفظ جامعه اسلامی از فتنه‌ها و آسیب‌های حاصل بوده است؛ لذا نیمی از خطبه به آسیب‌شناسی و معرفی ضعف‌های جامعه مسلمانان پرداخته و در بخش دوم نیز راهکارهای برون‌رفت از آن آسیب‌ها به تفکیک بیان شده است. حضرت زهرا (س) عواملی همچون؛ جریان نفاق، بی‌بصیرتی و بی‌توجهی مردم نسبت به مسئولیت‌های خود در جامعه اسلامی، بی‌توجهی به آموزه‌های قرآنی و رفاه‌طلبی را از جمله مهم‌ترین آسیب‌های مبتلا به جامعه در آن برهه‌ی تاریخی دانسته و بازگشت به ثقلین، توجه دوباره به گفتمان نبوی، بازگشت به توحید و پایبندی به قوانین فردی و اجتماعی را راهکار برون‌رفت از آن معضلات پیش‌آمده معرفی می‌کند. از دیگر نتایج مهم به‌دست‌آمده در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا، کشف مدل مسأله‌شناسی حضرت زهرا (س) است که تفصیل و نمودار آن در مقاله بیان شده است.

کلیدواژه‌ها

حضرت زهرا (س)، خطبه فدکیه، آسیب‌شناسی جامعه اسلامی، اصلاح جامعه اسلامی، الگوی مسأله‌شناسی.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. rsajadi212@gmail.com
 ۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Etratdoost@sru.ac.ir
 ۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. bahar-p@alzahra.ac.ir
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

خطبه فدکیه حضرت زهرا (س)، خطبه‌ای است که ایشان در اعتراض به حوادث پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) ایراد فرموده‌اند و بیانگر مسائل و حوادثی است که در آن بافت تاریخی به وقوع پیوسته. این خطبه توسط ۹۲ راوی نقل شده است که راویان اصلی آن عبارتند از: زینب کبری (س)، امام حسین (ع)، امام باقر (ع)، عایشه، ابن عباس، عبدالله بن حسن، ابوهشام، ابوعوانه و عطیه عوفی (ر.ک: آذربادگان، ۱۳۸۱ش، ۶۵). متن این خطبه نیز در بسیاری از منابع حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت، گاه به صورت کامل و گاه به صورت جزئی نقل شده است. به عنوان مثال در کتاب‌های «من لا یحضره الفقیه» (صدوق، بی تا، ۳: ۵۶۸) و «علل الشرایع» شیخ صدوق (۱۳۸۵ق، ۱: ۲۸۹) متن خطبه به صورت کامل نقل شده است.

در دیگر کتب حدیثی نیز مانند: «الاحتجاج» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۳۱)، «الشافی فی الامامه» (سیدمرتضی، ۱۴۱۰ق، ۴: ۶۹-۷۶)، «دلایل الامامة» (طبری، ۱۴۱۳ق، ۱۰۹-۱۲۲)، «الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف» (ابن طاووس، ۱۳۹۹ق، ۲۶۳-۲۶۴)، «کشف الغمة فی معرفة الائمة» (اربلی، بی تا، ۲: ۳۲) خطبه فدکیه نقل شده است. در این میان علامه مجلسی از محدثان متأخر شیعه، خطبه را با طرق بسیار از منابع گوناگون در «بحارالانوار» نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ش، ۲۹: ۲۱۵ به بعد).

همچنین از مهم‌ترین منابع اهل سنت که به نقل خطبه فدکیه پرداخته‌اند می‌توان به «المنثور و المنظوم» (ابن طیفور، بی تا، ۲۲) و «السقیفه و الفدک» (جوهری، بی تا، ۱: ۱۴۰) اشاره کرد. افزون بر نقل خطبه، بسیاری نیز به شرح مفاهیم و متن این خطبه پرداخته‌اند، مانند: «شرح خطبه اللّٰمه» ابن عبدون (۴۲۳ق)، «الروضة الزهرا فی تفسیر خطبة الزهرا» احمد بن محمد خزاعی نیشابوری (قرن پنجم)، «کشف المَحجَّه فی شرح خطبه اللّٰمه» علامه سید عبدالله شُبَّر (۱۲۴۲ق)، «اللمة البيضاء» محمدعلی بن احمد قراچه‌داغی تبریزی (۱۳۱۰ق) و «الدرة البيضاء» تألیف محمد تقی بن سید ابن اسحاق قمی (۱۳۴۴ق) یاد کرد (ر.ک: ژیان، ۱۳۹۸ش، ۱۳-۱۵).

از آن جا که قبلاً پژوهش‌های مفصلی در زمینه اعتبارسنجی خطبه فدکیه انجام شده و اعتبار این خطبه تأیید گشته و نیز از آن جا که هدف اصلی این پژوهش، تحلیل محتوای خطبه می‌باشد، لذا صرفاً متن این خطبه به عنوان جامعه آماری این تحقیق در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که جزئی‌نگری، معضلی است که بسیاری از پژوهش‌های انجام شده پیرامون خطبه فدکیه بدان گرفتار شده‌اند، به طوری که با

پرداختن به بخشی از خطبه، از سایر بخش‌های آن غفلت شده است. این مسأله سبب می‌شود که روح کلی حاکم بر خطبه و دغدغه اصلی گوینده آن مشخص نگردد. آیا واقعاً هدف اصلی حضرت زهرا (س) از ایراد چنین خطبه‌ای، نزاع بر سر مالکیت فدک بوده است؟ یا هدف ایشان اعتراض به سیاست‌های در پیش گرفته شده پس از رحلت رسول‌الله (ص) توسط خلیفه و مردم بوده است؟

در این پژوهش قصد داریم با استفاده از روش تحلیل محتوا و تکنیک «تحلیل مضمونی»، به تحلیل مضامین و مقوله‌های متن خطبه فدکیه پرداخته و جهت‌گیری‌ها و مقوله‌های حاکم بر متن را استخراج نموده و بدین وسیله، اهداف آشکار و پنهان حضرت زهرا (س) از طرح خطبه در آن شرایط حساس تاریخی را تبیین نماییم.

بررسی پیشینه تحقیق و خلأهای موجود در پژوهش‌های انجام شده، پرداختن مجدد به خطبه فدکیه با استفاده از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور را بیش از پیش توجیه می‌کند. کتاب‌های نگاشته شده پیرامون خطبه فدکیه بیشتر به ترجمه و شرح این خطبه پرداخته یا از منظر تاریخی به آن نگریده‌اند که به دلیل حجم بالا و سختی نگارش درصد کمی از مخاطبان را به خود جلب می‌کند. به‌عنوان مثال می‌توان به کتاب «شرح خطبه حضرت زهرا (س)» (حسینی زنجانی، ۱۳۹۱ش) و «بندگی راز آفرینش» (دستغیب، ۱۳۹۸ش) اشاره کرد که به شرح و ترجمه خطبه پرداخته‌اند. کتاب‌هایی همچون «اسرار فدک» (انصاری و رجایی، ۱۳۷۶ش) و «فدک فی التاریخ التشیع و الاسلام» (صدر، ۱۳۸۰ش، نیز از منظر تاریخی به ماجرای فدک نگریده‌اند. در پایان‌نامه «روابط بینامتنی خطبه‌های حضرت زهرا (س) با قرآن کریم» نیز فقط به بخش‌های قرآنی خطبه توجه شده است (معمد لنگرودی، ۱۳۹۴ش). در مقالاتی همچون «نکاتی درباره فلسفه احکام شرعی با نگاهی به خطبه فدکیه» (رهبر، ۱۳۸۴ش)، «ساختار توحید در خطبه فدکیه و نقش آن در اصلاحات انحرافات سیاسی و اجتماعی» (معارف، ۱۳۹۳ش) و «گونه‌شناسی استشهدای قرآنی خطبه فدکیه» (نیل‌ساز و بابااحمدی، ۱۳۹۵ش) نیز فقط به برخی مباحث مطرح در خطبه توجه شده و از بررسی روح حاکم بر خطبه بازمانده‌اند.

از آن‌جا که در این پژوهش از روش «تحلیل محتوا»^۱ استفاده شده است، لذا اندکی به معرفی آن خواهیم پرداخت. لورنس باردن^۲ از صاحب‌نظران حوزه روش‌های تحقیق معتقد است که روش تحلیل محتوا یک وسیله و ابزار نیست، بلکه مجموعه‌ای از فنون

1. Content Analysis.
2. Bardhn. Laurence.

تحلیل ارتباطات و گستره‌ای از ابزارهاست که از نظر شکل بسیار مختلف و قابل انطباق در میدان کاربردی وسیع حوزه ارتباطات است (باردن، ۱۳۷۴ش، ۲۴). کریپندورف^۱ نیز تحلیل محتوا را تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر داده‌ها در متن کاوی دانسته که هدف آن تحلیل متن همانند همه تکنیک‌های پژوهشی جهت فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است (کریپندورف، ۱۳۸۷ش، ۸۱). در پژوهش‌های مختلفی که از روش تحلیل محتوا برای فهم متن به ویژه نصوص دینی استفاده شده است، تلاش شده تا این روش جهت فهم نصوص دینی بومی‌سازی شود. به عنوان مثال عترت‌دوست در پژوهش‌های خود از دو تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی» و «تحلیل محتوای مقوله‌ای» یاد کرده که هرکدام کارکردهای خاصی در راستای فهم کامل و صحیح ساختار متن و لایه‌های پنهان آن دارند (ر.ک: عترت‌دوست، ۱۳۹۸ش، ۲۹۱-۳۲۰؛ عترت‌دوست و همکاران، ۱۳۹۹ش، ۹۹-۱۲۸).

در پژوهش حاضر از میان فنون مختلف تحلیل محتوا، تکنیک «تحلیل محتوای مضمونی» انتخاب شده است چراکه این نوع تحلیل محتوا به منظور اندازه‌گیری ویژگی‌های روان‌شناختی افراد و عموماً با اهداف پیمایشی یا آزمایشی انجام می‌شود و به جای استفاده از مقیاس‌ها و شاخص‌های خوداجرا، مضامین پیام‌ها سنجیده می‌شود. از نظر اسمیت^۲، تحلیل محتوای مضمونی، نمره‌گذاری محتوا یا سبک پیام‌هاست که با هدف ارزیابی ویژگی‌ها یا تجارب افراد، گروه‌ها یا دوره‌های تاریخی اجرا می‌شود (نئوندورف، ۱۳۹۵ش، ۱۹۲).

در فن تحلیل محتوای مضمونی برخلاف روش‌های معمول تحلیل، کدگذاری از نوع بسته نیست؛ یعنی از الگوهای ثابت و از پیش تعیین شده استفاده نمی‌شود؛ بلکه تحلیل از خود متن آغاز می‌گردد و پژوهشگر بدون هیچ پیش‌فرضی به بررسی متن می‌پردازد و آنچه مستقیماً از متن برداشت می‌کند را ضبط می‌کند. پژوهشگر پس از تفکیک و تقطیع متن مورد نظر براساس ساختار محتوایی (مضمون)، به کشف مضامین متن پرداخته، پس از کدگذاری، با دسته‌بندی مضامین مستخرج از متن می‌تواند فراوانی مضامین متن را بسنجد. در مرحله بعد، پژوهشگر براساس نتایج تحلیل‌های کمی به تحلیل‌های کیفی و توصیف و تفسیر نتایج پرداخته و در پایان به مدل‌سازی و ارائه نتیجه می‌پردازد (عترت‌دوست و احمدی، ۱۴۰۰ش، ۶۹-۹۴).

1. Krippendorff klus.
2. Smith. Charles P.

در ادامه بخشی از جدول تحلیل محتوای خطبه درج شده که در آن مضامین مستخرج از سخنان حضرت زهرا (س) با شناسه‌های (F)، ابوبکر (A) و راوی (R) مشخص شده است:

ردیف	گوینده	جمله	جهت‌گیری	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری
۱	راوی	«أَنَّه لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَأَ وَبَلَّغَهَا ذَلِكَ» وقتی که ابوبکر و عمر برای منع حضرت زهرا(س) از فدک همدست شدند.	فضای صدور	سلب مالکیت فدک	ابوبکر و عمر در منع حضرت زهرا(س) از فدک با هم همدست بودند.	R1
۲	حضرت زهرا (س)	«وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةِ مِنَ الْعَيْشِ وَإِدْعَاؤِنَ فَاكْهُونِ آمُونِ» اما شما {در شرایط جهاد} در کمال آسایش و رفاه؛ به فکر خود بودید و از نعمت‌ها بهره می‌بردید.	آسیب‌شناسی جامعه اسلامی	رفاه‌زدگی	حضرت از روی آوردن عده‌ای به رفاه‌طلبی، انتقاد می‌کند.	F236
					عده‌ای در زمان جهاد در شادمانی و تنعم از نعمت‌ها به سر می‌بردند.	F237
					حضرت از خلوت‌گزینی عده‌ای در گوشه‌ای امن در زمان خوف و خطر انتقاد می‌کند.	F238

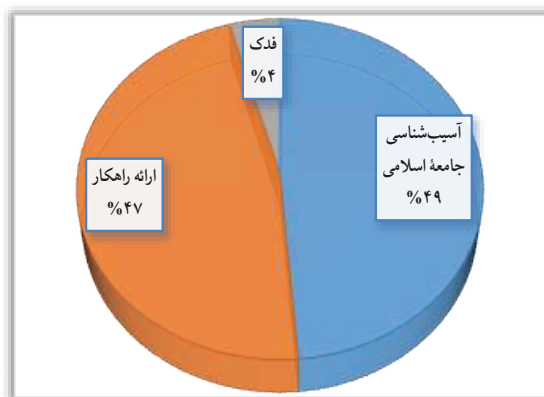
A1	پیامبر (ص) پدر حضرت زهرا (س) است.			«فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَانَ وَقَالَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا زُؤُفًا رَحِيمًا وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَ عِقَابًا عَظِيمًا»		
A2	پیامبر (ص) با مؤمنان عطف، رثوفت و مهربان بود.	بیان اوصاف	معرفی اهل بیت (ع)	سپس ابوبکر، عبدالله بن عثمان چنین پاسخ داد: ای دختر رسول خدا (ص)، همانا پدر گرامی شما به مؤمنان رثوف و مهربان و کریم بود و بر کافران، عذاب دردناک و شکنجه بزرگ بود.	ابوبکر	۳
A3	پیامبر (ص) در مقابل کافران با شدت و حدیث برخورد می کرد.	پیامبر اکرم (ص)				

پس از تکمیل جدول تحلیل محتوا به شمارش کمی مضامین اصلی و جهت گیری های سخنان حضرت زهرا (س) و ابوبکر پرداخته شد و در بخش تحلیل کیفی با دسته بندی مضامین فرعی و استخراج سه مقوله «آسیب شناسی جامعه اسلامی»، «راهکارهای برون رفت از آسیب ها» و «ماجرای فدک» شرح و بسط بیشتر مضامین صورت گرفت. در این مقاله تنها به بخش آسیب ها و راهکارهای برون رفت از آنها در کلام حضرت زهرا (س) پرداخته خواهد شد و مضامین و محتوای آنها تبیین گشته است:

۲. آسیب شناسی جامعه اسلامی از منظر حضرت زهرا (س)

نتایج تحلیل های کمی خطبه فدکیه و نمودار فراوانی سنجی جهت گیری های سخنان حضرت زهرا (س)، مؤید آن است که اصلی ترین دغدغه حضرت در خطبه، افزایش بصیرت مردم نسبت به آسیب هایی بوده است که جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) بدان ها گرفتار شده است. حدود ۴۹٪ از مضامین خطبه در بخش مربوط به سخنان حضرت زهرا (س) به بیان آسیب های جامعه اسلامی و تبعات آنها اختصاص یافته است. البته آن حضرت فقط به آسیب شناسی نپرداخته، بلکه راهکارهای برون رفت

از آسیب‌ها را نیز به صورت متعادل بیان کرده‌اند که این بخش نیز ۴۷٪ از محتوای خطبه را به خود اختصاص داده است. نکته جالب این‌که تنها ۴٪ از محتوای خطبه به موضوع فدک مرتبط بوده، لذا تصور این‌که موضوع اصلی این خطبه، مسئله فدک می‌باشد، کاملاً غیر واقع‌بینانه است. نمودار ذیل این آمار را به تصویر کشیده تا خواننده گرامی فهم بهتری از محتوای کلی خطبه حضرت زهرا (س) به دست آورد:



نمودار ۱: سنجش فراوانی جهت‌گیری‌های خطبه حضرت زهرا (س)

حضرت زهرا (س) در بحث از آسیب‌شناسی جامعه اسلامی در آن برهه تاریخی خاص، به پنج آسیب بسیار مهم با جزئیات خاص آن اشاره می‌کنند که در ادامه به تفصیل بیان شده است:

۱-۲. جریان نفاق

از جمله مهم‌ترین آسیب‌های مبتلا به جامعه اسلامی، نفاق است که حضرت زهرا (س) به خوبی در خطبه خویش به تبیین ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. نفاق در کلام حضرت، یک جریان است لذا دفعتاً بروز و ظهور نمی‌یابد، بلکه دارای عقبه‌ی تاریخی است و پیشینه‌ی آن به زمان پیامبر اسلام (ص) بازمی‌گردد. به همین دلیل ایشان در بخشی از کلام خود می‌فرمایند: «حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَ نَطَقَ رَعِيْمُ الدِّينِ وَ خَرَسَتْ شَفَاثِقُ الشَّيَاطِينِ وَ طَاحَ وَ شَيْطَانُ النِّفَاقِ»؛ تا جمعشان شکست خورده از میدان گریختند، تا آن‌گاه که بامداد اسلام از افق تاریک شرک به درآمد و چهره

تابناک حق جلوه‌گر شد و زعیم دین، لب به سخن گشود و آوای شیاطین خاموش گردید و فرومایگان منافق هلاک شدند. از منظر حضرت زهرا (س)، جریان فتنه به صورت پنهانی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و در زمان مناسب آشکار می‌گردد: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَمَاوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ»؛ وقتی که خداوند برای پیامبرش منزلگاه انبیا و جایگاه برگزیدگان را برگزید، خار نفاق که در دل‌ها خلیده بود آشکار گشت.

حضرت زهرا (س) به جهت هشدار خطر نفوذ نفاق در جامعه، به بیان مصادیق نفاق نیز پرداخته و برخی از این مصادیق را معرفی می‌کنند که عبارتند از:

الف- عدم خیرخواهی برای مجاهدان اسلام در زمان پیامبر (ص): «تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ»؛ آسوده و بی‌خیال در انتظار هلاکت ما بودید و جویای خبر سقوط مجاهدان اسلام به سر می‌بردید.

ب- عمل منافقانه سران فتنه در غصب خلافت که در ظاهر، سنگ اسلام را به سینه می‌زدند، ولی در باطن به فکر خود و بهره‌مندی از منافع خلافت بودند: «تَشْرَبُونَ حَسَوًا فِي إِزْتِعَاءٍ»؛ به بهانه گرفتن کف از روی شیر، آن را به کلی مخفیانه نوشیدید.

ج- روی ترش کردن نسبت به خاندان پیامبر (ص) پس از رحلتش: «تَجْهَمْتَنَا رِجَالٌ مُعْتَصِبٌ»؛ مردمانی با ترش‌رویی با ما روبرو شدند.

د- توطئه‌های سری علیه پیامبر (ص) و خاندان او: «وَتَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ فِي الْخَمْرَةِ وَالضَّرَاءِ»؛ و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان به کمین نشستید.

بخش دیگر بیانات حضرت زهرا (س) پیرامون جریان نفاق، معرفی تبعات و پیامدهای آن در جامعه اسلامی است. حضرت در خطبه خود به ایجاد فتنه‌ها، اختلافات و دشمنی‌ها در جامعه به عنوان بخشی از آثار جریان نفاق اشاره کرده و می‌فرماید: «وَطَاحَ وَشَيْطُ النِّفَاقِ وَانْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ»؛ و فرومایگان منافق هلاک و همبستگی کفر و اختلاف از هم متلاشی شد. آن حضرت فتنه‌ها را به آتش تشبیه کرده‌اند که با قدرت به مناطق دیگر سرایت کرده و ویرانگرانه، جامعه را به سوی نابودی سوق می‌دهد: «ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقَدْتَهَا وَتَهْجُونَ جَمْرَتَهَا»؛ آتش فتنه‌ها را برافروختید و به آتش فتنه‌ها دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید.

حضرت زهرا (س) برای بیان قبح فتنه‌انگیزی در جامعه اسلامی، فتنه‌انگیزی را همپای کفر می‌داند و فتنه‌گران را به آتش جهنم وعده می‌دهد: «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»؛ آگاه باشید که در فتنه فرو رفتید و جهنم فراگیرنده کافران

است. از دیگر پیامدهای ایجاد فتنه‌ها در جامعه اسلامی که حضرت به آن اشاره می‌کند، غصب حقوق اهل بیت (ع) است. این حقوق شامل غصب خلافت رسول خدا (ص) و حق ارث حضرت زهرا (س) می‌باشد. نکته جالب این‌که خلفا، غصب خلافت رسول خدا (ص) را به بهانه جلوگیری از فتنه می‌دانستند، ولیکن حضرت زهرا (س) آن را مصداق عینی فتنه معرفی کرده‌اند: «زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ» که تبعاتی همچون پوشیدگی لباس دین: «وَسَمَلَ جَلْبَابُ الدِّينِ» و خاموشی انوار آن: «وَأِطْفَاءُ أُنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ» را در پی داشته است.

۲-۲. کوتاهی مردم در انجام مسئولیت‌های خود

آسیب دیگری که حضرت زهرا (س) از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد حوادث ناگوار پس از رحلت رسول خدا (ص) اشاره می‌کند، بی‌بصیرتی مردم و کوتاهی آنان در انجام وظایف خود است. آن حضرت ضمن تفهیم مسئولیت‌های مردم در خطبه، آنان را به سبب کوتاهی در انجام وظایف خود مورد شماتت قرار داده و با تقسیم اقشار مردم به دو دسته عموم مردم و خواص جامعه، تلاش دارند تا ضمن برشمردن وجوه تمایز هر کدام و تبیین جایگاه و وظایف هر قشر، مسئولیت‌های خاص آنان را به تفکیک معرفی نمایند.

۲-۲-۱. جایگاه و مسئولیت‌های عموم مردم در کلام حضرت زهرا (س)

از منظر حضرت زهرا (س) اولین شأنیت مردم که برای آنان مسئولیت‌آور است، بندگی خداوند متعال است، لذا در چند نوبت مردم را با این عنوان خطاب کرده و می‌فرماید: «أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ». در پی بندگی خداوند، از دیگر شأنیت‌های مردم مورد خطاب امر و نهی الهی قرار گرفتن و بهره‌مندی از وحی الهی و حمل آن است، لذا عموم مردم را مخاطبان و مسئولان مستقیم امر و نهی الهی معرفی فرموده که عهده‌دار حمل و انتقال وحی و دین الهی از گذشتگان به آیندگان هستند: «نُصِبُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، حَمَلَةُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ». پس از مشخص شدن جایگاه بالای مردم در جامعه اسلامی، آن حضرت شروع به بیان مسئولیت‌های متناسب با این جایگاه‌ها کرده و وظایف سنگینی را متوجه مردم جامعه اسلامی می‌کنند. یکی از این مسئولیت‌ها، حفظ جامعه اسلامی از آسیب‌ها و انحراف و اعوجاج است چراکه خداوند متعال، این مردم را امین بر وحی خود قرار داده و وظیفه ابلاغ دین به دیگر امت‌ها را بر عهده آنان گذاشته است: «وَأَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى

أَنْفُسِكُمْ وَبَلَاغُهُ إِلَى الْأُمَّمِ». این مسأله نشانگر آن است که رسالت پیامبر اسلام (ص)، یک رسالت جهان‌شمول بوده و لذا جهانی کردن دین اسلام و ابلاغ و تبلیغ آن، از جمله مهم‌ترین وظایف مردم در جامعه اسلامی از منظر حضرت زهرا (س) می‌باشد.

۲-۲-۲. جایگاه و مسئولیت خواص جامعه در کلام حضرت زهرا (س)

خواص جامعه اسلامی علاوه بر داشتن مسئولیت‌های عمومی مردمی، به دلیل دارا بودن شأنیت و جایگاه اجتماعی، مسئولیت‌های سنگین‌تری نسبت به مردم عادی دارند. به همین دلیل حضرت زهرا (س) قبل از بیان مسئولیت‌های خواص، ابتدا به بیان وجوه تمایز آنان با مردم پرداخته است تا از این طریق، شاخص‌هایی را برای تشخیص خواص در جامعه اسلامی ارائه دهد. از منظر حضرت زهرا (س)، خواص جامعه اسلامی افراد سرشناس و بانفوذی هستند: «يَا مَعْشَرَ النَّفِيَّةِ» که بازوان امت اسلامی محسوب شده: «وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ»، دارای نیروی انسانی کافی بوده: «وَأَنْتُمْ ذُوو الْعَدَدِ وَالْعُدَّةِ»، توان رزمی و دفاعی بالایی دارند: «وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوَلُ وَ قُوَّةٌ عَلَيَّ مَا أَطْلُبُ»، «وَالْقُوَّةُ وَعِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَالْجُنَّةُ»، نخبانان جامعه اسلامی محسوب شده: «وَحَصَنَةَ الْإِسْلَامِ» و از آگاهی بیشتری نسبت به عامه مردم جامعه برخوردار هستند: «تَلَبَّسْتُكُمْ الدَّعْوَةَ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخَيْرَةُ». گذشته درخشان، رشادت و مجاهدت در راه اسلام، شجاعت، خیریت و صلاحیت، جایگاه نخبگانی و ولایت‌پذیری در گذشته، از دیگر دلایلی است که باعث می‌شود بخشی از افراد جامعه جزء خواص جامعه اسلامی محسوب شوند.

آن‌چه در کلام حضرت مشهود است، ملازمت جایگاه و مسئولیت در جامعه اسلامی است. هرچه جایگاه افراد در جامعه بالاتر می‌رود، میزان مسئولیت آنان نیز سنگین‌تر می‌گردد. حضرت از انصاف به عنوان خواص جامعه اسلامی انتظار دارد نسبت به ظلمی که در حق او و خانواده‌اش روا داشته شده، سکوت نکنند و واکنشی درخور شأن و جایگاه خود نشان دهند: «وَأَنْتُمْ بِمِرْأَى مَنِيَّ وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ» و آن‌ها را هشدار می‌دهد که بی‌تفاوتی در جامعه اسلامی، مساوی با رواج ظلم و بی‌عدالتی برای همگان است: «مَا هَذِهِ الْغَمِيْرَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي». بنابراین وظیفه اقامه قسط در جامعه اسلامی متوجه مردم آن جامعه، علی‌الخصوص خواص بوده و فساد و عدم مشروعیت دستگاه حاکمه نمی‌تواند توجیه‌کننده عدم انجام وظیفه از سوی مردم باشد. خواص به جهت داشتن آگاهی بیشتر از مسائل جامعه، هم باید خود در امواج فتنه‌ها قرار نگیرند و هم مردم را از فتنه‌های اجتماعی آگاه کرده و با موضع‌گیری مناسب اجازه پیوستن مردم به موج فتنه‌ها را ندهند.

نکته قابل توجه در این بخش، آن است که مذمت‌های حضرت (س) نسبت به انصار بیشتر از دیگران است چراکه انصار در انجام وظیفه خود کوتاهی بسیاری کرده‌اند، لذا انحراف آن‌ها را مساوی با بازگشت به شرک و مصداق محاربه با رسول خدا (ص) دانسته‌اند: «فَأَنَّى حُرِّتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَأَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُّكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ». آن حضرت (س) علت اصلی بازگشت مردم به شرک و جاهلیت گذشته را ترس معرفی کرده و معتقد است مؤمنان تنها باید از خدا بترسند؛ لذا آنان که از غیر خدا می‌ترسند، مؤمن واقعی نیستند: «أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

سخنان حضرت زهرا (س) در خطاب قرار دادن مردم و سپس خواص جامعه و انصار نشان می‌دهد که انحراف خواص بدتر از انحراف عامه مردم بوده و تأثیر آن بر روی جامعه اسلامی نیز بیشتر است؛ زیرا انحراف خواص باعث انحراف توده مردم خواهد شد. آن حضرت (س)، انصار را در حدوث و وقوع حوادث پس از رحلت پیامبر اسلامی (ص) مؤثر دانسته و آنان را به سبب سرعت و شتابشان در به بار آوردن حوادث ناگوار، مورد مذمت قرار می‌دهد: «سَرَعَانَ مَا أَحَدْتُمْ». این عبارات حضرت نشان می‌دهند که انصار نیز از مسببان حوادث پس از رحلت محسوب می‌شوند، حتی اگر در وسط معرکه نباشند چراکه موضع‌گیری‌های اشتباه و سکوت و بی‌تفاوتی آنان، خود یاری‌گر عاملان اصلی حوادث پس از رحلت بوده است.

۲-۳. بی‌بصیرتی مردم و عدم برخورداری از قدرت تحلیل سیاسی

فقدان قدرت تحلیل سیاسی در مردم از جمله انتقادهای جدی حضرت زهرا (س) از مردم است. ایشان در بخش‌هایی از سخنان خود مردم را به جهت بی‌بصیرتی و گرایش شدید به باطل و چشم‌پوشی از ارتکاب کارهای ناشایست به شدت مورد شماتت قرار می‌دهند: «مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةَ إِلَى قَيْلِ الْبَاطِلِ الْمَغْضِيَةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ»؛ ای مردم شتابنده به سوی گفتار باطل و از کارهای زشت چشم‌پوشنده. از نظر آن حضرت، باطل‌گرایی و عدم اهتمام به فریضه امر به معروف و نهی از منکر از تبعات و نتایج بی‌بصیرتی و نداشتن قدرت تحلیل مسائل روز جامعه است که علت و منشأ بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی می‌باشد. ایشان در راستای تبیین ابعاد باطل‌گرایی، به بیان ویژگی‌های جبهه باطل پرداخته و بیان می‌کنند که جبهه باطل از دو بخش رؤسا و مروجان باطل و متمایلان به آن تشکیل شده است. آن حضرت، سران جبهه

باطل را گمراه، عامل گمراهی، بی ارزش و فرومایه معرفی می کند؛ «وَنَطَقَ كَاظِمٌ الْغَاوِينَ وَ تَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِيَيْنِ وَ هَدَرَ فَيُنْقُ الْمُبْطِلِينَ».

همچنین حضرت زهرا (س) به میزان نفوذ جبهه باطل در متن مردم نیز اشاره کرده که این مطلب اولاً نشان دهنده قدرت جبهه باطل و استفاده وسیع از ابزارهای تبلیغاتی و ثانیاً نشان دهنده شدت گرایش مردم به سوی جبهه باطل است: «فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْعَزَّةِ فِيهِ مُلَا حِظِينَ». این عبارات حضرت بیانگر گسترش نفوذ جبهه باطل در متن مردم و عدم اهتمام مردم در پاس داری از حریم جامعه اسلامی است. جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) شاهد حجم وسیعی از گرایش به سوی باطل و ترک حق بود؛ لذا می توان نتیجه گرفت که بخش وسیعی از حوادث پس از رحلت، نتیجه حمایت مردم از جبهه باطل بوده است.

از ویژگی های سبک آسیب شناسی حضرت زهرا (س) این است که تنها به بیان آسیب ها و نقد منفی اکتفا نکرده، بلکه به بیان علل ایجاد آن ها نیز توجه کرده و تلاش می کنند تا با ارائه تحلیل صحیح از علل و ریشه های ایجاد آسیب برای مردم، آنان را مجهز به قدرت تحلیل سیاسی و بصیرت نمایند که این ویژگی، سبب تمایز مدل مسأله شناسی آن حضرت (س) از دیگران گردیده است. در ادامه برخی از این علل و عوامل تشریح می گردد:

الف- از منظر حضرت، یکی از مهم ترین علل و عوامل قدرت پیدا کردن جبهه باطل، فقدان رهبر بر حق و الهی در جامعه است: «أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرَتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ وَ يَخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ»؛ یا زمانی که شاخی از شیطان نمودار می شد و یا دهانی از مشرکان برای فروبردن شما گشوده می شد پدرم، برادرش را به گلوگاه آن حوادث هولناک گسیل می داشت و او هم با پیمردی تا سر آن فتنه انگیزان را به خاک نمی مالید و با شمشیرش آتش فتنه را خاموش نمی کرد بر نمی گشت».

ب- یکی از علل بی بصیرتی مردم در جامعه اسلامی، عدم تدبیر در آیات قرآن کریم و فهم صحیح آموزه های وحیانی این کتاب است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ». حضرت زهرا (س) طبق آنچه در خطبه بیان شده است، قرآن را جدا کننده حق از باطل دانسته: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا»، لذا به مردم هشدار می دهد که برای افزایش آگاهی و بصیرت خود و برای این که بتوانند در برهه های حساس اجتماعی، وظیفه و مسئولیت خود را به درستی تشخیص دهند، می بایست کتاب خدا را معیار و

میزان تشخیص حق از باطل قرار داده و به سوی جناحی که رویکرد گفتاری و عملی آن مطابق با آموزه‌های قرآن است، متمایل گردند.

ج- دلیل دیگری که حضرت زهرا (س) برای بی‌بصیرتی مردم به آن اشاره می‌کند، انجماد و نفوذناپذیری قلوب مردم در برابر حرف حق است: «أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا». گاهی ممکن است حرف حق به مردم برسد، اما آنچه مانع از پذیرش حق می‌گردد، سخت شدن قلوب است. آن حضرت در ادامه بیاناتشان علت قساوت قلوب مردم را نیز بیان کرده و علت آن را تأثیر اعمال ناشایست بر قلب می‌داند: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ» و به تأثیر مستقیم اعمال سوء بر قلب و تیرگی آن و در نتیجه گرفته شدن اسباب تعقل یعنی گوش و چشم از انسان اشاره می‌کند: «فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ». این عبارات حضرت (س) بدین معناست که بخش زیادی از بصیرت و توان تشخیص حق از باطل در انسان، بستگی به میزان تقوا و درستی اعمال او دارد.

۲-۴. بی‌توجهی جامعه اسلامی به آموزه‌های قرآنی

آسیب دیگری که حضرت زهرا (س) در خطبه خود، مکرر به آن اشاره می‌کنند، بی‌توجهی جامعه اسلامی به آموزه‌های قرآنی است. باید گفت که قرآن کریم جایگاه ویژه‌ای در کلام حضرت زهرا (س) دارد و آن حضرت در سرتاسر خطبه به بهانه‌های مختلف از آیات قرآن استفاده فراوان برده است. ایشان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد انحراف در جامعه اسلامی را بی‌توجهی به قرآن و احکام آن دانسته و اظهار تعجب می‌کنند که چگونه با وجود قرآن، جامعه به انحراف کشیده شده است: «فَهَيَّاتِ مِنْكُمْ وَ كَيْفَ يَكُمُ وَ أَنْتَى تُؤْفَكُونَ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ». ایشان علت انحراف جامعه را حاکم کردن احکام غیر قرآنی و روی‌گردانی و بی‌رغبتی به آن معرفی کرده و می‌فرمایند: «وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَ رَاءَ ظُهُورِكُمْ أَرْعَبَةٌ عَنْهُ تُرِيدُونَ أَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ».

طبق آیات قرآن کریم، احکام قرآن در جامعه اسلامی حرف آخر را می‌زند: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا» و روی‌گردانی از احکام آن مساوی با خروج از دایره اسلام است. کسی که کتاب الهی را پشت سر بیندازد و دینی غیر از اسلام برگزیند، در آخرت از زیانکاران خواهد بود: «وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْأَجْرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

حضرت زهرا (س) در ادامه بحث از جایگاه و اهمیت قرآن در جامعه اسلامی و بیان آسیب‌های بی‌توجهی به آموزه‌های قرآنی، یکی از بارزترین مصادیق بی‌توجهی جامعه

اسلامی به احکام قرآنی و بازگشت به احکام جاهلی را محروم شدن خود از حق ارث دانسته و آن را نماد محروم کردن زنان از حق ارث در دروان جاهلیت معرفی می‌نمایند. گویی آن حضرت به‌عنوان یکی از اعضای جامعه اسلامی که مورد ظلم واقع شده است، قصد به چالش کشیدن دیگر اعضای جامعه را دارد تا از این رهگذر بتواند مردم را متوجه ظلم و انحراف جامعه از احکام قرآن کرده و هشدارهای لازم نسبت به امکان فروپاشی آن را بدهد. غصب ارث حضرت زهرا (س) در شرایطی به وقوع پیوسته است که خداوند در قرآن کریم، احکام ارث را به‌وضوح تعیین کرده و از این طریق راه هرگونه بهانه‌جویی را سد کرده است: «وَأَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكَرَانِ وَالْإِنَاثِ مَا أَرَّاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُطْبِلِينَ وَأَزَالَ التَّنْظِي وَالشُّبُهَاتِ فِي الْغَابِرِينَ»؛ سهم پسران و دختران را به‌گونه‌ای واضح و روشن بیان داشته، بهانه‌جویی یا وه‌سرایان را باطل ساخته و از بدگمانی و شبهه‌آیندگان جلوگیری نموده است. لذا کسانی که با غصب ارث دختر پیامبر اسلام (ص) به مخالفت علنی با احکام قرآن پرداخته‌اند، به تعبیر حضرت معاویه بدی انجام داده و عمل آنان مصداق ظلم است: «بُنِسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا».

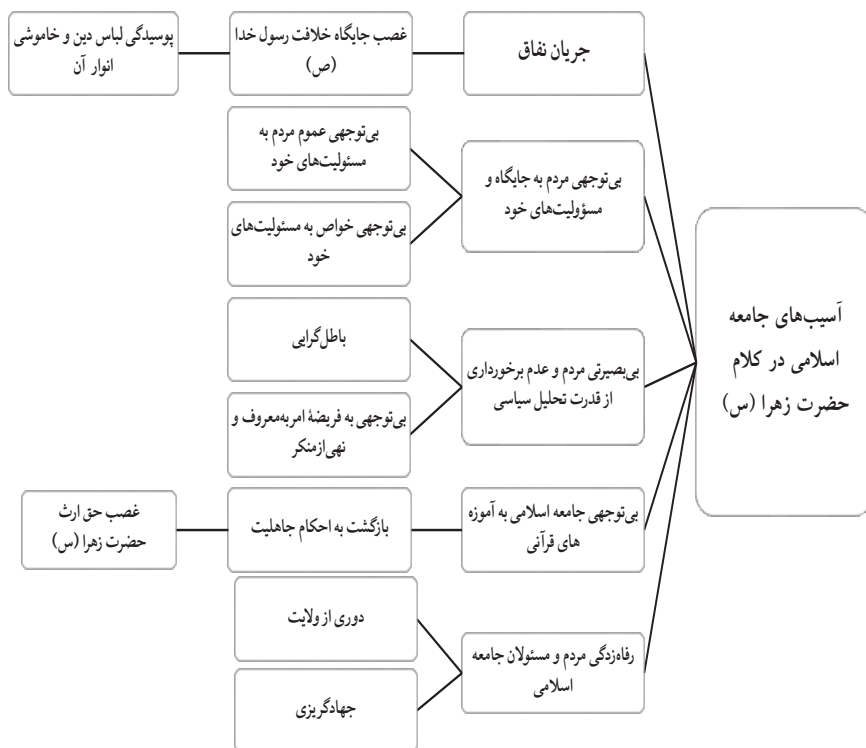
۲-۵. رفاه‌زدگی مردم و مسئولان در جامعه اسلامی

طلب رفاه و آسایش در زندگی به خودی خود آسیب محسوب نمی‌شود، بلکه هرگاه رفاه‌طلبی، هدف قرار گیرد و رنگ رفاه‌زدگی به خود بگیرد، به یک آسیب جدی برای جوامع بشری تبدیل شده که خود سرمنشأ آسیب‌های دیگری خواهد بود. در کلام حضرت زهرا (س) نیز این مسأله کاملاً مشهود است. ایشان در بخشی از کلام خود رفاه‌طلبی و قرار گرفتن در حاشیه امن زندگی را به‌جهت آسیب‌رسانی به روحیه جهاد در افراد، مذمت کرده و هشدار می‌دهند که برای تقویت روحیه جهادی باید از رفاه‌زدگی و هدف قرار دادن آن در زندگی اجتناب گردد و متقابلاً باید سعی شود با تقویت روحیه جهادی و شرکت در فعالیت‌های جهادگونه از رفاه‌زدگی پرهیز شود: «وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادْعُونَ فَاكْهُونَ آمِنُونَ»؛ اما شما در شرایط جهاد در کمال آسایش و رفاه به فکر خود بودید و از نعمت‌ها بهره می‌بردید.

حضرت (س) در جای دیگری از خطبه، رفاه‌زدگی را به‌جهت تأثیری که بر دوری از ولایت و رهبری الهی دارد، تقبیح می‌کند و بیان می‌دارد که برخی از مردم به خاطر رفاه‌طلبی و راحت‌طلبی، کسی را که شایسته دخل و تصرف در کارها بوده و حق ولایت الهی داشته، کنار زدند و به سمت دیگران متمایل شدند: «أَلَا وَقَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ إِلَيَّ

الْخَفْضِ وَ اَبَعْدْتُمْ مَنْ هُوَ اَحَقُّ بِالْبُسْطِ وَالْقَبْضِ». در واقع این مطلب بیانگر آن است که برخی از افراد به دلیل رفاه‌طلبی و آسایش‌طلبی، به‌جهتی تمایل می‌یابند که بتواند این هدف را برای آنان فراهم کند، لذا کسانی که با اذن الهی شایسته دخل و تصرف در امورشان بوده را کنار زده و به سمت افرادی همانند خود، متمایل می‌شوند. بر این اساس حضرت زهرا (س) با هشدار چندباره به مردم، آنان را از بازگشت به اخلاق دوره جاهلیت و تن‌پروری و رفاه‌زدگی هشدار داده و می‌فرماید: «وَ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيْقِ مِنَ السَّعَةِ» که اگر مردم به این نوع زندگی خو بگیرند، بالتبع روحیه جهاد و مبارزه با باطل در آنان کاهش خواهد یافت.

در پایان این بخش، مجموعه آسیب‌های جامعه اسلامی در کلام حضرت زهرا (س) در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده است:



نمودار ۲: آسیب‌شناسی جامعه اسلامی در کلام حضرت زهرا (س)

۳. راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های جامعه اسلامی از منظر حضرت زهرا (س)

حضرت زهرا (س) در خطبه خود ضمن بیان آسیب‌های جامعه اسلامی و علل وقوع آن‌ها، به بیان راهکارهای برون‌رفت از این آسیب‌ها نیز پرداخته است و این یکی از شاخص‌ترین وجوه تمایز مدل مسأله‌شناسی ایشان می‌باشد. همانگونه که پیش از این اشاره شد، ۴۷٪ از فراوانی مضامین خطبه، به بخش ارائه راهکارها اختصاص دارد که نشان می‌دهد آن حضرت (س) در عین توجه به آسیب‌ها و نقد جامعه، در همان لحظه به ارائه راهکار نیز پرداخته و یک خطبه تاریخی برای اصلاح جوامع اسلامی در طول تاریخ ایراد کرده‌اند. راهکارهایی که آن حضرت برای برون‌رفت جامعه اسلامی از آفات ارائه کرده‌اند بر اساس ترتیب کثرت فراوانی مطلب، شامل موارد ذیل است:

۳-۱. بازگشت به گفتمان نبوی (ص)

حضرت زهرا (س) برای ترغیب مردم به بازگشت به گفتمان نبوی (ص)، راهبردهای متفاوتی را در خطبه در پیش گرفته‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مقایسه دوران فلاکت‌بار جاهلیت با دوران شکوفایی دین اسلام است. آن حضرت در این راستا با اشاره به اوضاع ناگوار و وخیم جامعه اعراب جاهلی در آستانه بعثت پرداخته و از رهگذر توصیف آن شرایط و مقایسه آن‌ها با وضعیت اقتدار دوره حاکمیت دین اسلام، تلاش دارند تا مجدد زمینه‌های بازگشت جامعه به گفتمان نبوی (ص) را فراهم آورند.

ضعف، زبونی، ذلت، خواری، ظلمت، جهل، حیرانی، عدم امنیت، حاکمیت ترس بر جامعه و اوضاع وخیم اقتصادی مردم از جمله اوصافی است که حضرت در توصیف جامعه اعراب جاهلی به آن‌ها اشاره می‌کنند. در عین حال بیان ویژگی‌هایی همچون؛ از هم گسیختگی جمع کفار و عقب‌نشینی آنان، آشکار شدن حق و به سخن درآمدن پیشوای حق در جامعه و به تبع آن خاموشی جریان باطل از جمله مواردی است که حضرت فاطمه زهرا (س) در توصیف دوران شکوفایی اسلام بیان کرده‌اند: «حَتَّىٰ انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَلَّوْا الدُّبْرَ حَتَّىٰ تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ وَ اسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَ نَطَقَ رَعِيمُ الدِّينِ وَ خَرَسَتْ شَقَائِطُ الشَّيَاطِينِ»؛ تا جمعشان شکست خورده از میدان گریختند. تا آن‌گاه که بامداد اسلام از افق تاریک شرک به درآمد و چهره تابناک حق جلوه‌گر شد و زعیم دین لب به سخن گشود و آوای شیاطین خاموش گردید.

به عنوان مثال، آن حضرت از دیگر برکات ظهور اسلام را نابودی جریان نفاق و به تبع آن ازهم‌گسیختگی کفر و اختلاف: «وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النَّفَاقِ وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَ

الشُّقَاقِ» و آزادی بیان در جامعه معرفی کرده‌اند به گونه‌ای که مردم بدون پروا از مشرکین، توحید را بر زبان جاری می‌کردند: «وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ».

از دیگر راهبردهای حضرت زهرا (س) جهت دعوت مردم برای بازگشت به گفتمان نبوی (ص)، تشریح سختی‌ها و مشقت‌هایی بوده است که پیامبر اسلام (ص) برای پایه‌گذاری جامعه اسلامی متحمل گشته است. بخشی از این مصائب و مشکلات در کلام حضرت (س) عبارت است از وجود ادیان ساختگی: «فَرَأَى الْأُمَمَ فَرَقاً فِي أَدْيَانِهَا»، رواج بت‌پرستی در جامعه: «عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا»، انکار خداوند متعال با وجود شناخت او: «مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا»، تقدیس آتش در برخی ادیان: «عُكْفَاءَ عَلَى نِيرَانِهَا»، و تحمیل عبادت‌های شرک‌آلود به فطرت خداجو توسط بشر. پیامبر اسلام (ص) در مسیر رسالت خود از راه و روش کفار، کاملاً برکنار بوده و در برابر آنان نرمش و انعطاف‌پذیری به خرج نمی‌داد: «مَا نِلاَ عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ ضَارِباً ثَبَّحَهُمْ أَخِذاً بِأَكْطَاهِمُ» و در مسیر رسالت، بت‌شکنی قاطع و خشن در برابر مشرکان بوده است: «يَجِفُّ [يَجْدُ] الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ أَلْهَامَ» به گونه‌ای که اجازه کوچک‌ترین خودنمایی به شیطان و جنود او را نمی‌داد و به کمک مجاهدینی همچون حضرت علی (ع)، فتنه‌ها را در نطفه خفه می‌کرد: «أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَغَرَّتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَدَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ وَيَخْمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ».

وسعت و تنوع جبهه دشمنان رسول اکرم (ص) در مسیر دشوار رسالت، از دیگر مسائلی است که حضرت زهرا (س) به آن اشاره می‌کند. دشمنان پیامبر (ص) هم شامل دشمنان داخلی (اعراب) «بَيْنَهُمُ الرَّجَالُ وَ دُؤْبَانُ الْعَرَبِ» و هم دشمنان خارجی (اهل کتاب) «وَ مَرَدَّةُ أَهْلِ الْكِتَابِ» بوده است که این مطلب، بیانگر آن است که رسالت دین اسلام، یک رسالت جهانی بوده و اختصاص به سطح محدود جزیره‌العرب نداشته است.

حضرت زهرا (س) در بخش دیگری از سخنان خود به بیان تأثیرات حادثه رحلت پیامبر (ص) بر جامعه اسلامی اشاره کرده و برای این منظور از تعابیر تکان‌دهنده‌ای استفاده کرده‌اند که تداعی‌کننده برپایی قیامت است. تعابیری همچون تاریکی زمین، خورشید، ماه و ستارگان: «وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ وَ كَسَفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ انْتَشَرَتِ النَّجُومُ» و فرو ریختن کوه‌ها: «وَ خَسَعَتِ الْجِبَالُ»، که از سویی نشان‌دهنده میزان اهمیت رویداد مرگ پیامبر (ص) و از سویی نشان‌دهنده شدت تأثیر این حادثه بر جامعه است. این تعابیر نشان می‌دهد که حضرت، منکر تأثیر رویداد مرگ پیامبر (ص) در جامعه نبوده و بخشی از این تأثیرات را طبیعی می‌داند، اما زمانی که این تأثیرات طبیعی با

معضلاتی که حضرت برمی‌شمرد همراه شود، شدت آن‌ها چندین برابر شده و به انحراف جامعه می‌انجامد؛ لذا برای تعدیل تأثیرات این حادثه، با اشاره به سنت الهی بودن مرگ انبیاء، مرگ پیامبر (ص) را امر نوظهوری نمی‌داند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۴).

حضرت فاطمه زهرا (س)، مرگ انبیاء را حکم قطعی خداوند می‌داند که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ» و با اشاره به این سنت الهی، بر لزوم عبرت‌گیری از تاریخ انبیاء و سرگذشت اقوام آنان تأکید می‌کند: «وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ». در عین حال با مراجعه به تاریخ انبیاء خواهیم دید که نه تنها مرگ آنان سنتی الهی بوده، بلکه تعیین جانشین از سوی آنان برای اداره جامعه پس از خود نیز سنتی الهی بوده است. در واقع تعیین جانشین، راه‌حلی برای کاهش شدت تأثیر مرگ نبی بر جامعه پس از خود بوده است؛ لذا مردم باید با عبرت‌گیری از تاریخ و با پیروی از سنت‌های الهی از انحراف جامعه خود جلوگیری کنند و اجازه ندهند جامعه بیش از حد تحت تأثیر مرگ پیامبر (ص) قرار گیرد.

۳-۲. تمسک به ثقلین

یکی دیگر از راهکارهای بیان شده در کلام حضرت زهرا (س) جهت اصلاح آسیب‌های جامعه اسلامی، تمسک به ثقلین و بازگشت به آن است. آن حضرت یکی از دلایل اصلی انحراف جامعه اسلامی را عدم پایبندی مردم به آخرین وصیت پیامبر (ص) در تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) به مثابه دو عامل نجات از گمراهی و ضلالت دانسته و بخشی از خطبه را به معرفی و توصیف این دو ثقل اختصاص داده است.

رکن اول ثقلین، قرآن کریم است و آنچه در سرتاسر خطبه مشهود است، استفاده مکرر حضرت از آیات قرآن برای مستند کردن کلام خویش است. شاخص‌ترین صفتی که حضرت در توصیف قرآن بر آن تأکید دارند، شفافیت و قابل فهم بودن معارف قرآن است: «أَمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَرَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ وَأَوَامِرُهُ وَاصِحَةٌ»، از همین رو تأکید زیادی بر تدبیر در قرآن داشته و مردم را برای حل اختلافات میان خود به قرآن ارجاع می‌دهند: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حَكَمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا» کما این که خودشان نیز برای احتجاج با ابوبکر بر سر ارث، از آیات قرآن استمداد جسته و عمومیت آیات

ارث را دلیل صدق مدعی خود می‌داند. لازم به ذکر است که قابل فهم بودن قرآن، هیچ بهانه‌ای برای افراد باقی نمی‌گذارد که بخواهند عدم امکان فهم قرآن را بهانه عدم مراجعه به آن قرار دهند. حجم بالای استفاده از آیات قرآن در خطبه، اهمیت جایگاه قرآن به عنوان ثقل اکبر را از منظر حضرت نشان می‌دهد به گونه‌ای که حدود ۲۰ مرتبه در خلال خطبه به آیات قرآن اشاره شده است.

رکن دیگر تقلین نیز عترت گرامی نبی مکرم اسلام (ص) است که حضرت در سخنان خود سعی در معرفی آن به مردم داشته و در این راستا خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «إِيهَا النَّاسُ اِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْوًا وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا»؛ ای مردم! بدانید بی‌تردید من فاطمه هستم و پدرم محمد است. آن‌چه در ابتدا گویم در پایان نیز گویم (گفتارم تماماً یکنواخت از سر صدق است)، گفتارم غلط نبوده و در اعمالم راه خطا نمی‌پویم و از حق تجاوز نمی‌کنم. همچنین در جای دیگری از خطبه، خود را دختر فردی ترساننده از عذاب شدیدی که در پیش دارید، معرفی کرده و در بخشی دیگر، برای معرفی خود و همسرش می‌فرماید: «فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونِ نِسَائِكُمْ - وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ وَ لِنَعْمِ الْمَعَزِي إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ»؛ چنانچه حسب و نسب او را بررسی کنید و بشناسید، او را پدر من می‌یابید، نه پدر هیچ‌یک از زنان شما و برادر پسرعم من است نه برادر مردان شما. وه چه نیکو نسبتی! درود خدا بر وی و فرزندانش باد.

آن‌چه در این بیانات مشهود است تأکید حضرت به نسبت خود و همسرش با پیامبر اسلام (ص) است. حضرت فاطمه (س) در بخش‌های دیگری از خطبه نیز هرجا که نامی از پیامبر خدا (ص) می‌برد، بلافاصله از کلمه «أب» استفاده می‌کند که به نظر می‌رسد این اشاره‌ها در راستای معرفی عترت نبی مکرم اسلام (ص) باشد. ایشان در راستای معرفی خاندان پیامبر (ص) به طور خاص، به بیان ویژگی‌های حضرت علی (ع) به عنوان نزدیک‌ترین فرد به پیامبر (ص) می‌پردازد و به مواردی همچون؛ همواره گوش به فرمان پیامبر (ص) بودن، رنج‌پذیری در راه خدا، تلاشگر و ناصح بودن، کوشایی و آمادگی همیشگی او برای فداکاری در راه اسلام اشاره می‌کند.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان حضرت در حوزه معرفی عترت پیامبر (ص)، بیان نتایج پایبندی به ولایت ایشان است. از جمله ثمراتی که حضرت زهرا (س) در زمینه پایبندی به ولایت به آن‌ها اشاره می‌کند؛ نظم امت اسلام، حفظ وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه، به راه افتادن چرخ آسیاب اسلام، جاری شدن خیر و برکت روزگار،

افول شرک و بت پرستی، کاهش دروغ و نیرنگ در جامعه، کاهش هرج و مرج در جامعه و استحکام نظام دین است که نشان می‌دهد عامل بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) عدم پابندی مردم به ولایت اهل بیت (ع) است: «وَوَطَّأَتْنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ...». با توجه به این که در زمان ایراد خطبه، مدت زمان زیادی از رحلت پیامبر اکرم (ص) نگذشته بود، به نظر می‌رسد هدف حضرت از معرفی و بیان فضائل اهل بیت (ع) این بوده باشد که مردم، عترتی را که پیامبر (ص) در حدیث ثقلین آن‌ها را به عنوان عامل عدم گمراهی در کنار قرآن معرفی کرده است، بشناسند تا بتوانند با عمل به وصیت پیامبر (ص) خود و جامعه‌شان را از گمراهی نجات دهند.

۳-۳. بازگشت به آموزه‌های توحیدی

حضرت زهرا (س) با تشریح و بازخوانی مجدد توحید در خطبه خود، مردم را به بازگشت به توحید واقعی فراخوانده‌اند. از منظر حضرت فاطمه (س)، عبارت «لا إله إلا الله» کلمه توحید است و آن، کلمه یا امر مهمی است که تأویل آن اخلاص می‌باشد: «كَلِمَةٌ جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلَهَا». کلمه‌ای که با قلب و فطرت پیوند عمیقی دارد: «وَوُضِّمَنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولَهَا» و تفکر درباره آن باعث روشنی فکر می‌شود: «وَأَنَارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا». آن حضرت تنها به ارائه تعریف از توحید بسنده نکرده، بلکه راه‌های خداشناسی را نیز بیان کرده است چراکه خداشناسی، مقدمه و راهی برای رسیدن به توحید است. یکی از راه‌هایی که حضرت برای رسیدن به شناخت خداوند متعال به آن اشاره کرده است، توجه به اوصاف خداوند است. لذا بیان می‌کنند که نمی‌توان خداوند را با چشم سر دید: «لِلْمُتَبَيِّنِ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُ»، با زبان به وصف او پرداخت: «وَمِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتُهُ» و از طریق اوهام و خیالات به کیفیت او پی برد: «وَمِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ».

راه دیگر رسیدن به توحید از منظر حضرت زهرا (س)، توجه به گستردگی و بی‌حساب بودن نعمت‌های الهی است. آن حضرت در خطبه به خوبی ابعاد این گستردگی را تبیین کرده و یکی از وجوه گستردگی نعمات الهی را شمول نعمت‌های خداوند در نعمت‌های مادی و معنوی می‌دانند. به عنوان مثال آن حضرت (س) ضمن اشاره به برخی نعمت‌ها همچون خلقت آسمان‌ها و زمین و ... که خداوند پیش از درخواست انسان به او داده است: «وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّم»، الهامات غیبی خداوند را نیز جزء نعمات معنوی به حساب آورده و به سبب این الهامات، شکر خداوند را به جا می‌آورند: «لَهُ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا أَلْهَمَ».

نعمت‌های الهی به قدری گسترده است که انسان هرگز از عهده شمارش و شکر آن‌ها بر نخواهد آمد: «جَمَّ عَنِ الْإِخْصَاءِ عَدَدُهَا». گستردگی این نعمت‌ها به قدری است که از اداراک انسان خارج است و دامنه آن‌ها تا ابدیت کشیده شده است: «وَنَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا وَتَفَاوَتْ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا». راه از یاد و استدام این نعمت‌ها شکرگذاری خداوند است: «وَنَدَّبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا». خداوند در واقع با این عطایا بندگان را به صورت غیر مستقیم به شکر فراخوانده و آن‌ها را به دستیابی به همانند این نعمت‌ها دعوت کرده است: «وَاسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَالِهَا وَتَنَّى بِالنَّدْبِ إِلَى أُمَّثِلِهَا».

از دیگر راه‌های رسیدن به شناخت خداوند تفکر در نظام خلقت است. حضرت زهرا (س) راه و رسم این تفکر را نیز به مردم این‌گونه آموخته است: خداوند موجودات عالم را بدون نیاز به ماده اولیه و مثال قبلی آفرید: «إِنْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَتْ قَبْلَهَا وَأَنْشَأَهَا بِلَا احْتِذَاءٍ أَمْثَلَةً امْتَثَلَهَا». نظام دهشت‌انگیز خلقت و اتقان طبیعت، بهترین راه خداشناسی است و دلالت کافی دارد که مدبر و حکیم در نهایت علم و آگاهی آن‌ها را پدید آورده و در خلقت آنان به دنبال هیچ منفعت و کسب فایده‌ای؛ جز تثبیت حکمتش، تنبیه بندگان بر عبادتش، اظهار قدرتش، تقویت و تثبیت دعوتش و تحقق روح تعبد در جامعه بشری نبوده است: «مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا وَلَا فَايِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَثْبِيثًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ».

۳-۴. پابندی به قوانین فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی

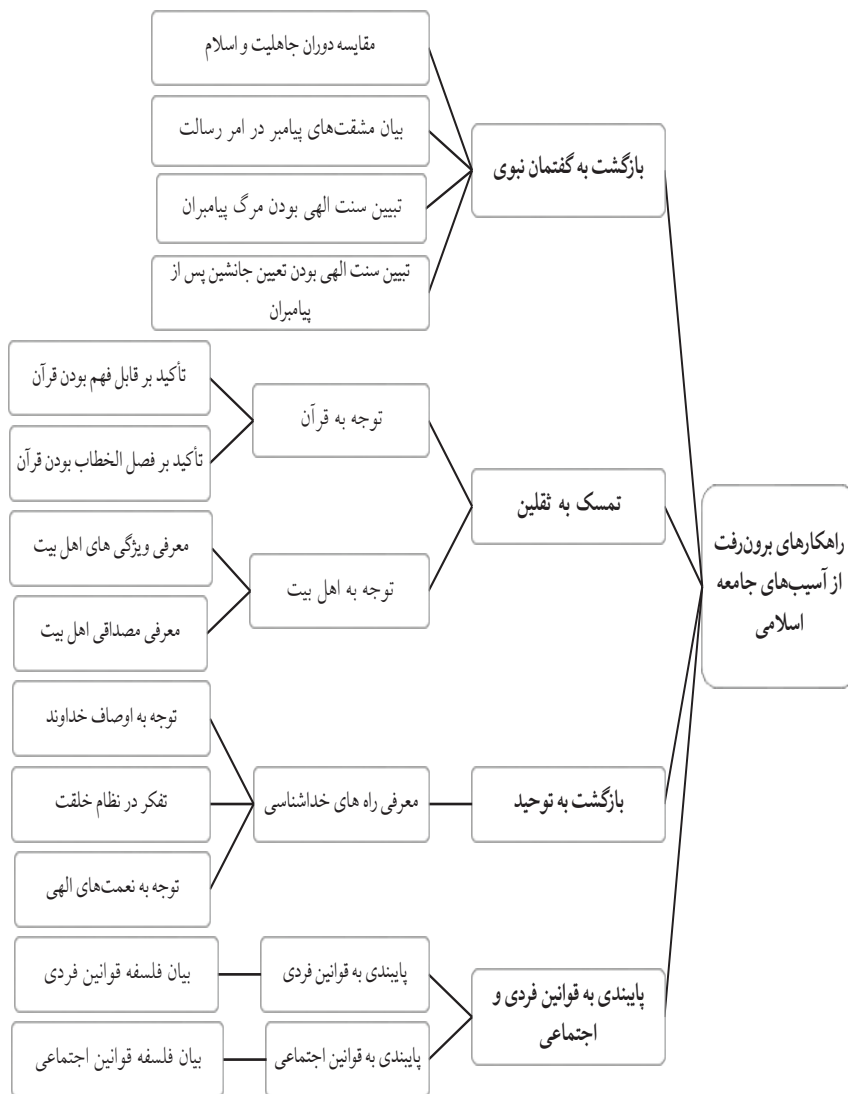
حضرت زهرا (س) در خطبه خود پابندی به قوانین فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی را یکی دیگر از راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های مبتلا به جامعه اسلامی معرفی کرده‌اند.

از جمله توصیه‌های حضرت در بخش قوانین فردی می‌توان به رعایت تقوا: «فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ»، اطاعت از اوامر و نواهی الهی: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ»، التزام به افزایش علم و آگاهی اشاره کرد. حضرت زهرا (س) در این بخش نیز تنها به بیان قوانین اکتفا نکرده، بلکه به بیان فلسفه هریک از آن‌ها نیز پرداخته است. به نظر می‌رسد هدف حضرت از بیان فلسفه قوانین الهی، ترغیب هرچه بیشتر افراد به انجام آن‌ها باشد.

به عنوان مثال آن حضرت رعایت تقوا را موجب عاقبت بخیری: «وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» و کسب علم و آگاهی را عامل رسیدن به خشیت الهی می‌داند: «فإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». طبق فرمایشات آن حضرت، ایمان سبب پاکی از شرک: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ»، نماز، موجب تنزیه از کبر: «وَأَصْلَاةً تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكَبْرِ»، زکات، موجب تزکیه نفس و نمود روزی: «وَأَلْزَمَهُ تَزْكِيَةً لِنَفْسِهِ»، روزه، عامل تثبیت اخلاص: «وَالصَّيَامُ تَثْبِيْتاً لِلْإِخْلَاصِ»، صبر، دستاویز جلب پاداش الهی: «وَالصَّبْرُ مَعُونَةٌ عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ» و برون رفت از فتنه‌ها، نهی از شرابخواری برای پاکی از پلیدی‌ها: «وَأَلْتَهَى عَنْ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ»، حرمت شرک برای اخلاص در ربوبیت: «وَأَحْرَمَ اللَّهُ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ» و وفای به نذر، برای رسیدن به آمرزش و مغفرت الهی است: «وَأَلْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِضاً لِلْمَغْفِرَةِ».

بخشی از توصیه‌های حضرت نیز در ارتباط با جامعه و اعضای آن معنا می‌یابد. ایشان، حج را که یک عبادت جمعی است، موجب برپایی و استحکام دین: «وَأَلْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ»، عدل را عامل پیوند قلوب: «وَأَلْعَدْلَ تَسْيِيقاً لِلْقُلُوبِ»، پایبندی به اطاعت اهل بیت (ع) را موجب نظام ملت: «وَأَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ» و امامت ایشان را موجب جلوگیری از تفرقه دانسته است: «وَأِيمَانَتَنَا أَمَاناً لِلْفِرْقَةِ». جهاد را عامل عزت و سربلندی اسلام: «وَأَلْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ»، امر به معروف را موجب اصلاح جامعه: «وَأَلْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ»، نیکی به پدر و مادر را وسیله حفظ و حراست از خشم خدا: «وَأَبْرَ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ الشُّخْطِ»، صلح و ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت: «وَأَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَسَأَةً فِي الْعُمْرِ وَ مَنَمَاءً لِلْعَدَدِ»، قصاص را عامل حفظ خون‌ها معرفی می‌کند: «وَأَلْقِصَاصَ حَقْناً لِلدِّمَاءِ». طبق فرمایشات حضرت، خداوند تمام دادن کیل و وزن را برای ایجاد اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان قرار داد: «وَأَلتَّوْفِيَةَ الْمَكَايِيلِ وَ الْمَوَازِينِ تَغْيِيراً لِلْبُخْسِ» و اجتناب از قذف را برای مصونیت از لعنت و نفرین: «وَأَجْتِنَابَ الْقَذْفِ جِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ»، ترک دزدی و سرقت را برای ایجاد عفت و امنیت عمومی مقرر فرمود: «وَأَتَرْكَ السَّرْقَةَ يَجَاباً لِلْعَفَّةِ».

در پایان این بخش نیز به منظور درک بهتر راهکارهای ارائه شده در خطبه حضرت زهرا (س) برای برون رفت از آسیب‌های جامعه اسلامی، مجموعه آن‌ها در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده است:



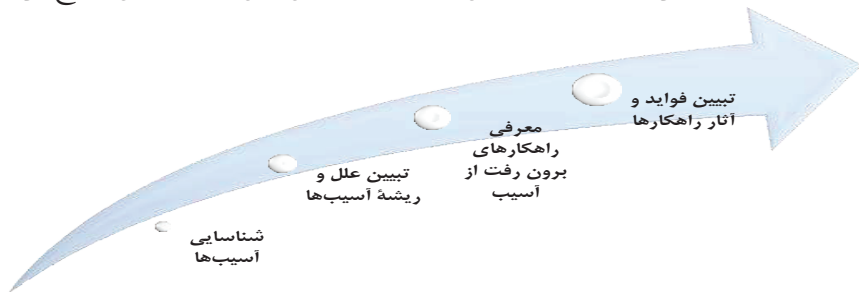
نمودار ۳: راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های جامعه اسلامی در کلام حضرت زهرا (س)

۴. مدل مسأله‌شناسی حضرت زهرا (س) در خطبه

در پایان با توجه به مجموعه مطالب بیان شده در مقاله، می‌توان مدلی منطقی برای شیوه مسأله‌شناسی حضرت زهرا (س) از خطبه استخراج کرد. همان‌گونه که اشاره شد،

یکی از ویژگی‌های شیوه آسیب‌شناسی حضرت زهرا (س) این است که تنها به بیان آسیب‌ها اکتفا نکرده، بلکه علل و ریشه‌های وقوع آن‌ها را نیز بیان کرده است. شیوه‌ای که حضرت در آسیب‌شناسی جامعه اسلامی پیش گرفته است یک الگوی مناسب برای شناسایی و رفع آسیب‌ها است. ایشان با به کارگیری این شیوه نشان داده است که برای رفع آسیب‌ها، تنها شناسایی مشکل کافی نیست، بلکه باید ریشه آسیب‌ها را شناخت و علت‌ها را برطرف کرد چراکه شناسایی مسأله، تنها بخشی از راه است و بخش اصلی حل مشکل، شناسایی علت‌ها و رفع آن‌هاست. در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که با وجود شناسایی مشکلات، به علت عدم شناسایی علل و عوامل ایجادکننده، مشکلات همچنان پابرجا می‌ماند.

همچنین آن حضرت در بخش معرفی راهکارها نیز صرفاً به یک معرفی ساده اکتفا نکرده، بلکه فایده و ثمره آن عامل را نیز معرفی نموده‌اند. از این مطلب چنین برداشت می‌شود که هم شناسایی علل و ریشه آسیب‌ها و هم تبیین فایده و ثمره عوامل معرفی شده به عنوان راهکار، یک بخش مهم و قابل توجه در کنار آسیب‌شناسی و ارائه راهکار بوده و در الگوی مسئله‌شناسی حضرت زهرا (س) می‌بایست به این مطالب مهم هم توجه شود. لازم به ذکر است که نوع نگاه حضرت (س) به مشکلات جامعه اسلامی نشان از فرازمانی بودن خطبه و بصیرت و آگاهی بالای گوینده آن دارد؛ زیرا شرط آگاهی بخشی و بصیرت‌افزایی در جامعه این است که در وهله اول، خود فرد از آگاهی و بصیرت کافی برخوردار باشد؛ لذا شیوه حضور آن حضرت در جامعه، آگاهی و بصیرت ایشان و ارائه تحلیل از حوادث و آسیب‌های جامعه، نه تنها الگویی است برای بانوان آزاده جهان، بلکه الگویی برای تمامی اعضای جامعه اسلامی است. به همین دلیل الگو و مدل مسئله‌شناسی حضرت زهرا (س) از منظر مؤلفین این مقاله بدین شرح می‌باشد:



نمودار ۴: مدل مسأله‌شناسی حضرت زهرا (س)

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش گردید که با استفاده از روش «تحلیل محتوا» و تکنیک «تحلیل مضمونی» به کشف جهت‌گیری‌ها و مقوله‌های کلی حاکم بر متن خطبه حضرت زهرا(س) مشهور به خطبه فدکیه پرداخته و فارغ از نگاه سنتی و تشریحی، منطق حاکم بر کلام حضرت را کشف و تبیین نماییم. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که:

۱- سه جهت‌گیری کلی در خطبه حضرت زهرا (س) عبارت است از: آسیب‌شناسی جامعه اسلامی، راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌ها و موضوع فدک.

۲- حدود ۴۹٪ از سخنان حضرت زهرا (س) به جهت‌گیری آسیب‌شناسی جامعه اسلامی و ۴۷٪ نیز به ارائه راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌ها اختصاص داشته و تنها ۴٪ از محتوای خطبه به موضوع فدک پرداخته است، لذا وجه تسمیه خطبه و مطلق دانستن موضوع آن تنها به مسئله مالکیت فدک، بیانگر یک تصور غلط و ناقص از مجموعه کلمات حضرت (س) است.

۳- از منظر حضرت زهرا (س) مهم‌ترین آسیب‌های جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم (س) که زمینه‌ساز انحراف شده عبارتند از: جریان نفاق، بی‌توجهی مردم و خواص نسبت به جایگاه و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود، بی‌بصیرتی مردم و عدم برخورداری از قدرت تحلیل سیاسی، بی‌توجهی جامعه به آموزه‌های قرآنی و رفاه‌زدگی مردم و مسئولان در جامعه اسلامی. آنچه در این میان، حائز اهمیت است، اشاره سلسله‌وار به آسیب‌ها در کلام حضرت (س) است چراکه هر کدام از آسیب‌های بیان شده در خطبه، علاوه بر تأثیراتی که خود به تنهایی بر جامعه دارند، دارای تبعاتی هستند که در نهایت منجر به بروز آسیب‌های دیگری در جامعه می‌گردند.

۴- حضرت زهرا (س) در ذیل معرفی هر کدام از آسیب‌های جامعه اسلامی، به علل و عوامل ایجاد آن آسیب نیز اشاره کرده و تلاش دارند تا با افزایش آگاهی مردم، ریشه آن آسیب، بطور کلی از جامعه اسلامی حذف شود. لذا به عنوان مثال از عواملی مثل «باطل‌گرایی» و «بی‌توجهی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان عوامل ایجاد آسیب بی‌بصیرتی مردم یاد کرده‌اند.

۵- همچنین آن حضرت (س) در ذیل معرفی هر کدام از آسیب‌های جامعه اسلامی، آثار و تبعات آن‌ها را نیز تبیین نموده‌اند تا مردم را بیشتر متوجه خطرات آن نمایند. لذا به عنوان مثال ایجاد فتنه‌ها در جامعه، غضب حق اهل بیت (ع)، پوسیدگی لباس دین و خاموشی انوار آن را از جمله تبعات رذیله نفاق در جامعه معرفی کرده، جهادگریزی و دوری

از ولایت را نیز از تبعات آسیب رفاه‌زدگی دانسته و بازگشت به احکام جاهلی و غضب ارث دختران را نیز به عنوان یکی دیگر از آسیب‌های بی‌توجهی به احکام قرآن در جامعه اسلامی معرفی کرده‌اند.

۶- در خطبه حضرت زهرا (س) توده مردم به دو بخش خواص و عامه تقسیم شده‌اند و برای هر گروه، شاخص‌ها و وظایف جداگانه‌ای تعریف شده است. در این میان، بی‌توجهی مردم به ویژه انصار به جایگاه و مسئولیت‌های خود در جامعه اسلامی از جمله مهم‌ترین عوامل ایجاد فتنه‌ها و حوادث ناگوار پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) معرفی شده است.

۷- بخش دوم خطبه حضرت زهرا (س) به معرفی راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های معرفی شده اختصاص دارد. آن حضرت موارد ذیل را به عنوان راهکارهای اصلی معرفی می‌نماید: بازگشت به گفتمان نبوی (ص)، بازگشت به تقلین، بازگشت به آموزه‌های توحید و پایبندی به قوانین فردی و اجتماعی در جامعه.

۸- یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، استخراج مدل مسأله‌شناسی حضرت زهرا (س) است که فرازمانی و فرامکانی بودن آن را به‌خوبی نمایان می‌گرداند. تبیین علل و ریشه ایجاد آسیب‌ها در کنار آسیب‌شناسی و نیز تبیین فواید و آثار توجه به راهکارها در کنار معرفی آن‌ها، از جمله نکات مغفول در جریان آسیب‌شناسی معضلات اجتماعی است که کمتر کسی بدان توجه نموده است، ولیکن مشاهده می‌شود که حضرت زهرا (س) در خطبه خود، به تبیین این دو بخش نیز پرداخته و نسبت به علل و ریشه‌ها و آثار و پیامدها غافل نبوده‌اند.

منابع

قرآن کریم.

آذربادگان، حسین‌علی. "نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک". علوم حدیث، ۲۶ (۱۳۸۲): ۴۷-۶۹.

ابن طاووس، علی‌بن موسی، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، قم، الخیام، ۱۳۹۹ق.

ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی، بی‌تا.

اربلسی، علی‌بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الائمه (ع)، تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران، اسلامیة، بی‌تا.

انصاری، محمدباقر؛ رجایی، حسین، اسرار فدک؛ محاکمه غاصبین فدک در کلام دختر وحی برای نسل‌های آینده، قم، الهادی، ۱۳۷۶ش.

باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه: محمد یمنی‌دوزی سرخایی و ملیحه آشتیانی، تهران، شهید بهشتی، ۱۳۷۴ش.

- جوهری، احمد بن عبدالعزیز، السقیفه و فدک، بغداد، مکتبه نبوی، بی تا.
- حسینی زنجانی، سید عزالدین؛ شرح خطبه حضرت زهرا (س)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ش.
- دستغیب، سید عبدالحسین، بندگی، راز آفرینش؛ شرح خطبه حضرت زهرا (س)، قم، داوری، ۱۳۹۸ ش.
- رهبر، مهدی. "نکاتی درباره فلسفه احکام شرعی با نگاهی به خطبه فدکیه". مصباح، ۵۶ (۱۳۸۴): ۹۹-۸۴.
- سید مرتضی، علی بن حسین، الشافی فی الامامة، قم، إسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
- صدر، محمداقبر، فدک فی التاریخ التشیع و الاسلام بحث حول المهدي، قم، مرکز شهید صدر، ۱۳۸۰ ش.
- صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
- _____، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مصحح: محمداقبر موسوی خراسان، مشهد، المرتضوی، ۱۴۰۳ ق.
- طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ ق.
- عترت دوست، محمد. "روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه گانه تحلیل متن، تحلیل محتوا و تحلیل گفتار". حدیث پژوهی ۱۱، ۲۱ (۱۳۹۸): ۲۹۱-۳۲۰. doi: 10.22052/0.21.291
- _____، فتحیه فتاحی زاده، زینب حسینی زاده و محمد رضایی مقدم. "تبیین ساختار هندسی خطبه‌های سه‌گانه غدیر با استفاده از روش تحلیل محتوای مقوله‌ای". امامت پژوهی ۹، ۲۵ (۱۳۹۸): ۹۹-۱۲۸. doi: 10.22034/jep.2020.202531.1113
- _____، و مهدیه احمدی. "راه‌کارهای مقابله با اشرافی‌گری بر مبنای تحلیل محتوای نامه امام علی علیه السلام به عثمان بن حنی". اسلام و مطالعات اجتماعی ۹، ۳۴ (۱۴۰۰): ۶۷-۹۴. doi: 10.22081/jiss.2021.60600.1789
- کرپیندورف، کلوس، مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا، ترجمه: هوشنگ نائینی، تهران، روش، ۱۳۸۷ ش.
- مجلسی، محمداقبر، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطهار (ع)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ش.
- معارف، مجید، «ساختار توحید در خطبه فدکیه و نقش آن در اصلاحات انحرافات سیاسی و اجتماعی»، پژوهش‌های نهج البلاغه، ۴۳ (۱۳۹۳): ۷-۳۰.
- معمد لنگرودی، فرشته، «پایان نامه: روابط بینامتنی خطبه‌های حضرت زهرا (س) با قرآن»، تهران، دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۹۴ ش.
- نیل‌ساز، نصرت، و زهره بابا احمدی میلانی. "گونه‌شناسی استشادهای قرآنی خطبه فدکیه". سراج منیر ۷، ۲۳ (۱۳۹۵): ۳۱-۵۴. doi: 10.22054/ajsm.2017.7451
- توندورف، کیمبرلی ای، راهنمای تحلیل محتوا، ترجمه: حامد بخشی و وجهه جلالیان بخشنده، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۵ ش.